

## مقایسه میان نسلی ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج\*

سعید خانی،\* حسین محمدزاده،\*\* محمد جلال عباسی شوازی\*\*\*

### چکیده

هدف این مطالعه، مقایسه و تحلیل ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج است. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل ثانویه کمی است و داده‌ها از پیمایش ایدئال‌ها و رفتارهای باروری سنندج در سال ۱۳۹۳ اخذ شده و اطلاعات مربوط به ۲۱۰ نفر از مادران و ۲۱۰ نفر از فرزندان (۱۰۷ پسر و ۱۰۳ دختر) هرگز ازدواج‌نکرده خانوارهای پیمایش مذکور مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه اگرچه بیانگر تشابه نسبی نگرش پاسخگویان در مورد برخی از مقدمات ازدواج می‌باشد، اما مؤید تفاوت‌های محسوس میان نسلی و بعضاً درون‌نسلی در سایر نگرش‌ها و ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری است. از یک طرف، فرزندان در مقایسه با مادران تمایل کمتری به ازدواج خویشاوندی دارند، تعداد فرزند کمتر و با فاصله‌گذاری بیشتر را ایدئال می‌دانند و ارزش کمتری برای فرزند قائلند. از طرف دیگر، نگرش فرزندان دختر در مقایسه با هم‌تایان پسر در این زمینه‌ها متفاوت‌تر و امروزی‌تر به نظر می‌رسد. بخشی از تفاوت‌های مشاهده‌شده در ایدئال‌ها را می‌توان به تفاوت افراد در ویژگی‌های زمینه‌ای از جمله تحصیلات، سن، محل سکونت و وضعیت اشتغال نسبت داد که با مباحث نظری تغییرات ساختاری و یافته‌های مطالعات پیشین همسو است.

**کلیدواژه‌ها:** ایدئال‌های ازدواج، ایدئال‌های فرزندآوری، نسل، ویژگی‌های زمینه‌ای.

\* **قدردانی:** مطالعه حاضر بخشی از نتایج طرحی است که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است. بدین‌وسیله از حمایت مالی مؤسسه و نیز پیشنهادات اصلاحی آقایان دکتر علی اصغر سعیدی و دکتر غلامعلی فرجادی تشکر و قدردانی می‌گردد.

\* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

\*\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

\*\*\* استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، و رئیس مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

mabbasi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۶

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۴۹-۷۶

## ۱. مقدمه

در طول سال‌های گذشته، نهاد خانواده در ایران در پاسخ به تحولات اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی تغییرات متعددی را تجربه کرده است. سطح تحصیلات تحت تأثیر ماهیت تساوی‌گرای انقلاب اسلامی، به‌ویژه در میان گروه‌های هم‌دوره<sup>۱</sup> افزایش یافته است. زمان‌بندی ازدواج، به‌ویژه برای دختران به سنین بالاتر تغییر یافته، رفتار باروری زنان به‌طرز قابل توجهی در سطحی نسبتاً پایین، و نگرش‌های باروری‌شان در جهت منفی یا کمتر مثبت قرار گرفته است. با وجود این، در جنبه‌های بیرونی یا عام خانواده مانند عمومیت ازدواج، ازدواج خویشاوندی، اهمیت نظر و شرایط خانواده‌ها در انتخاب همسر برای فرزندان و... تغییرات آرام‌تر بوده است (عباسی شوازی و مک‌دونالد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). در مجموع، اگرچه در جامعه امروز ایران در اثر تعامل عوامل و شرایط درونی با عوامل و شرایط بیرونی، خانواده دچار تغییرات شده و نیاز به مطالعه و تحقیق در این حوزه را به‌شدت بالا برده است، اما مطابق با نتایج مطالعات صورت‌گرفته (عباسی شوازی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۷؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ سرایی، ۱۳۸۷؛ سرایی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۱)، خانواده ایرانی آمیزه‌ای از تداوم و تغییر را تجربه می‌کند. به عبارت دیگر، تغییرات خانواده از برخی جهات به‌علت اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌های نوسازی و تغییرات متأثر از آن، سریع و از برخی جهات به‌علت نفوذ عوامل و نیروهای مقاومت‌کننده مانند مذهب و سنت‌ها، آرام و در جهت تداوم و استمرار بوده است.

یکی از تغییرات مهم خانواده‌های ایرانی که در بستر تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی چند دهه قبل به‌وقوع پیوسته است، کاهش سریع باروری به‌ویژه از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی و همچنین، رفتارها و انگاره‌های مرتبط با ازدواج و فرزندآوری است که برای سال‌های متمادی موضوع مطالعات مختلف بوده و است. جالب آنکه علی‌رغم وجود تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی در نقاط مختلف ایران، این تغییرات به‌شکلی کم‌وبیش مشابه خصیصه‌ای فراگیر بوده است.

در استان کردستان که قلمرو مکانی تحقیق حاضر در آن واقع است، مشابه با سایر نقاط ایران میزان باروری حدوداً بیش از یک دهه است که به زیر سطح جایگزینی و کمتر از ۲ فرزند رسیده است (محمودیان و رضایی، ۱۳۹۱؛ عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۵؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). تحولات باروری در این استان با تحولات صورت‌گرفته در کشور پیوند و همزمانی دارد. شاخص

1. Cohorts
2. Abbasi-Shavazi and Mcdonald
3. Abbasi-Shavazi, Morgan, Mcdonald and Hosseini-Chavoshi

میزان باروری کل<sup>۱</sup> در کردستان از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۵ از ۶/۵ فرزند تا حدود ۷ فرزند (و برخی سال‌ها بیش از ۸ فرزند) در نوسان بوده است و از سال ۱۳۶۵ به بعد همگام با اکثریت استان‌های کشور رو به کاهش بوده، به طوری که در سال ۱۳۷۵ به ۳ و در سال ۱۳۷۹ به حدود ۲ فرزند (عباسی شوازی، ۱۳۸۰؛ عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۵) و در سال ۱۳۸۵ به ۱/۹ فرزند رسید (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹ الف). بر مبنای سرشماری ۱۳۹۰ نیز، نرخ باروری کل در حدود ۱/۹ فرزند برآورد گردید (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۲). طبق نتایج سرشماری ۱۳۹۵، مقدار این شاخص در کردستان برای دوره ۹۱-۹۵ با اندکی افزایش، ۲/۰۳ فرزند محاسبه شده است. همچنین، طبق نتایج سرشماری، میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان این استان در سرشماری ۱۳۸۵ به ترتیب ۲۵/۸ و ۲۳/۲ سال، و ارقام متناظر در سرشماری ۱۳۹۰ به ترتیب به ۲۶/۹ و ۲۳/۶ سال افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰). علاوه بر این، در کنار افزایش میانگین سن جوانان در ازدواج اول، ازدواج‌های پایدار این استان در سال‌های اخیر نیز با کاهش همراه بوده است، به طوری که طبق آمار و اطلاعات سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۸۹، در این استان در مقابل هر ۶ واقعه ازدواج یک واقعه طلاق ثبت شده و در مقابل هر ۱۰۰ واقعه ازدواج، ۱۶/۳ واقعه طلاق روی داده است و پس از استان‌های تهران، قم، مازندران، خراسان رضوی و کرمانشاه رتبه ششم کشور در وقوع طلاق را به خود اختصاص داده است (احمدی، ۱۳۹۱).

به طور خلاصه، شواهد حکایت از سطح باروری پایین و رواج معیارهای مطلوب فرزندآوری پایین و نگرش‌های تغییر یافته به سمت تأخیر بیشتر ازدواج در کل کشور و در این استان دارد. در این شرایط یعنی کاهش باروری، افزایش سن ازدواج و... توجه محققان جمعیتی به سمت معیارهای مطلوب و نگرش‌های ازدواج و فرزندآوری به‌ویژه در مقیاس نسلی است. به بیان دیگر، مسائل و تغییرات نسلی در حوزه‌های ازدواج، باروری و خانواده یکی از محورهای عمده تحقیقات جمعیت‌شناختی در سالیان اخیر و پیش رو به شمار می‌رود (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸: ۸).

در مقاله حاضر نیز، تمرکز بر روی تغییرات ایده‌ای و ارزشی نسبت به ازدواج و باروری از طریق مقایسه این ایدئال‌ها و انگاره‌ها در میان دو نسل مادران و فرزندان ازدواج‌نکرده آن‌ها قرار می‌گیرد، و با توجه به تحولات اجتماعی-اقتصادی سال‌های اخیر، انتظار می‌رود که معیارهای مطلوب و نگرش‌های ازدواج و فرزندآوری نسل‌های جدید و قدیم متفاوت از همدیگر باشد. مطالعه حاضر از چند جهت حائز اهمیت است؛ اول اینکه «ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری ارزش پیش‌بینی‌کننده دارند و بیانگر آن هستند که افراد می‌خواهند چگونه و در چه سنی ازدواج

## 1. Total Fertility Rate

کنند و چه تعداد فرزند داشته باشند» (نقل از هین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۳۱). در این زمینه، گلدستین و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۳: ۴۸۰) نیز اظهار می‌کنند که در کشورهای اروپایی هم باروری و معیارهای مطلوب و هم باروری واقعی کاهش یافته و روندهای مشابهی را طی می‌کنند؛ علی‌رغم اینکه در سطوح برابری قرار ندارند. بنابراین، حتی اگر معیارهای مطلوب باروری به‌طور دقیق سطوح واقعی باروری را پیش‌بینی نکنند، ممکن است درباره روندهای باروری اطلاعاتی در اختیار ما قرار دهند و این دلیل قانع‌کننده‌ای برای مطالعه ترجیحات و ایده‌های باروری است. به‌طور کلی، اگرچه به‌صورت قطعی نمی‌توان پذیرفت، اما نگرش‌ها و تمایلات از عوامل مهم شکل‌دهنده رفتارها می‌باشند (کریمی، ۱۳۷۹). دوم اینکه، با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده ایرانی در چند دهه اخیر، توجه به این تغییرات در میان نسل‌ها اهمیت دارد، زیرا «آن‌ها به‌طور متفاوتی در معرض تغییرات بوده و بالطبع تغییرات اجتماعی را به‌گونه‌ای متفاوت درک، باور و عملیاتی کرده‌اند» (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). سوم اینکه، درک تفاوت‌های نسلی می‌تواند به شناخت تغییرات رخ داده در خانواده و همچنین پیش‌بینی پتانسیل موجود برای تغییرات آینده خانواده کمک کند (همان). رازقی نصرآباد و سرایی (۱۳۹۳: ۲۳۰) بیان می‌کنند که مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و ایده‌های فرزندآوری از آن رو مهم است که روند تغییرات باروری بستگی به چگونگی و نوع تغییر این فرایند دارد. سرانجام اینکه، مطالعه حاضر می‌تواند به سؤال چگونگی معیارهای مطلوب خانواده در استان مرزی و متفاوت از بافت قومی-مذهبی جامعه ایران، یعنی کردستان تاحدودی پاسخ دهد و زمینه رفع ابهامات موجود را فراهم سازد.

بدین ترتیب، مطالعه درباره پاسخ به سؤالاتی از این قبیل سازمان می‌یابد: ویژگی‌های جمعیتی و معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری دو نسل مادران (زن ۱۵-۴۹ ساله دارای همسر خانوار) و فرزندان (جوان دختر و پسر هرگز ازدواج‌نکرده ۱۵-۲۹ ساله خانوار) چگونه است؟ آیا در معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری دو نسل تفاوت معنی‌داری دیده می‌شود؟ اگر تفاوتی وجود دارد، مربوط به کدام زمینه‌ها است؟ و مهم‌ترین عوامل جمعیتی و زمینه‌ای مؤثر بر معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری در میان دو نسل کدام‌اند؟

## ۲. چارچوب نظری

برای تبیین تغییرات صورت‌گرفته در زمینه ازدواج و خانواده، به‌طور کلی دو رویکرد نظری ساخته و پرداخته شده است. گروهی از این تبیین‌ها تحت عنوان تبیین‌های ساختاری<sup>۳</sup>، به نقش تغییرات ساختاری در تغییرات خانواده اشاره می‌کنند. ذیل این رویکرد، یکی از نظریه‌های مهم، نظریه

1. Hin, Gauthier, Goldstein and Buhler
2. Goldstein, Lutz and Testa
3. Structural Explanation

نوسازی یا همگرایی خانواده است و به‌موجب آن، فرایند مدرنیزاسیون<sup>۱</sup> از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های ارتباطی، توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات و... باعث تغییر الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده و تغییر جهت آن‌ها به‌سمت فردمحوری، ازدواج در سنین بالا، آزادی در انتخاب همسر، باروری پایین و... می‌گردد (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴).

گروه دوم تحت عنوان تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی<sup>۲</sup>، عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع (نظیر رشد فردگرایی و سکولاریزم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی) در تغییر رفتارها و معیارهای مطلوب مرتبط با ازدواج و خانواده تأکید می‌کنند. ذیل این رویکرد، یکی از نظریه‌های مهم، ایدئالیسم توسعه<sup>۳</sup> است. ایدئالیسم توسعه حاوی مجموعه‌ای از ایده‌ها و آرمان‌های تأثیرگذار است که در تغییرات نگرشی و رفتاری خانواده در سطح جهان نیروی قدرتمند بوده است. طبق این تئوری، هر کجا که عناصری از ایدئال‌های اساساً غربی توسعه و اشکال خانواده مرتبط با آن، گسترش و مقبولیت یافته‌اند، به تسریع تغییر در بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی نظیر افزایش سن ازدواج، افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی، کاهش باروری و گسترش خانواده‌های کوچک‌تر، نظارت کمتر والدین بر ازدواج جوانان، طلاق بیشتر، برابری جنسیتی بیشتر، روابط جنسی و فرزندآوری خارج از محدوده ازدواج کمک کرده‌اند (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵).

گرچه هر کدام از تبیین‌های فوق تلاش کرده‌اند تا عوامل و مکانیسم تأثیرگذاری تغییرات خانواده را توضیح دهند، اما قدر مسلم این است که تأثیر عوامل ساختاری و نگرشی تغییرات خانواده در بین همه گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی یکسان و همزمان نیست. معمولاً در بین گروه‌های مختلف اجتماعی، سطوح مختلفی از پابندی به ارزش‌های ریشه‌دار تاریخی و همچنین انطباق با تغییرات جدید نیز وجود دارد که سبب ایجاد تفاوت‌ها و شکاف‌های اجتماعی می‌گردد. در فرایند تحولات اجتماعی، یکی از بارزترین شکاف‌های ارزشی و نگرشی در بین نسل‌های قدیم و جدید نمود پیدا می‌کند. بر همین اساس، صاحب‌نظران عموماً از آثار و پیامدهای دوره‌های سنتی غافل نیستند و معتقدند نسل جوان در هر جامعه با توجه به مقتضیات سنتی خود، دارای طبعی نوخواه و خواهان استقلال شخصی است و در مرحله‌ای از رشد تکوینی خویش به‌سر می‌برد که در برابر منابع سنتی نظام باورها و رفتارهای اجتماعی، نقش معترض را ایفا می‌کند. در مقابل،

1. Modernization Process
2. Ideational Explanation
3. Developmental Idealism

نسل بزرگسال محافظه کارتر و حافظ نظم اجتماعی است و با منابع سنتی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پیوند محکم‌تری دارد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۸۹).

برای تبیین شباهت یا تفاوت میان نسل‌ها در زمینه‌های ازدواج و خانواده، چارچوب‌های نظری دیگری هم ارائه شده است. تورنتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) در چارچوب نظری خود، تجارب ازدواج و زناشویی والدین را برای فرزندان مهم می‌داند. در این چارچوب فرض می‌شود که والدینی که در سنین جوانی ازدواج می‌کنند، دستاوردهای تحصیلی و اجتماعی-اقتصادی کمتری دارند، در نتیجه دستاوردهای تحصیلی و اجتماعی-اقتصادی فرزندان آن‌ها هم کمتر و بنابراین در سنین پایین‌تری هم ازدواج می‌کنند. تورنتون (۱۹۹۱) اضافه می‌کند که نظارت و کنترل والدین بر فرزندان و تعامل با آن‌ها در محیط خانواده، بر عمل و دیدگاه فرزندان در حوزه ازدواج و فرزندآوری اثرگذار است. برخی هم ادعا می‌کنند که شباهت‌های موجود در بین نگرش‌های والدین و فرزندان ممکن است برخاسته از موقعیت اجتماعی یکسان<sup>۲</sup> آن‌ها (بنگسون<sup>۳</sup>، ۱۹۷۵)، یا حاصل مشاهده رفتار و نگرش‌های والدین از سوی فرزندان (کامپل<sup>۴</sup>، ۱۹۶۹؛ چاودرو<sup>۵</sup>، ۱۹۷۸)، یا ناشی از فنون اجتماعی کردن فعال از سوی والدین نظیر حمایت و کنترل (گیکاس و سیف<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰؛ اسمیت<sup>۷</sup>، ۱۹۸۸) باشد.

به‌هر صورت، ادعای اصلی مطالعه حاضر آن است که در معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد، و بخشی از این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌ها و زمینه‌های جمعیتی متفاوت می‌باشد.

مطالعات زیادی به بحث و بررسی در ارتباط با رفتارها و معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری با رویکرد نسلی پرداخته‌اند. مالهورا و همکارانش<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) به بررسی و تبیین شباهت‌های نسلی دختران و مادران در ادراکات و انتظارات ازدواج در سری لانکا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نگرش‌های دختران و مادرانشان درباره ازدواج نسبتاً مدرن است. آن‌ها در تبیین این وضعیت به نقش بسیار مهم گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها اشاره کرده‌اند.

1. Thornton
2. Common Social Position
3. Bengtson
4. Campbell
5. Chodorow
6. Gecas and Seff
7. Smith
8. Malhotra, Tsui and De Silva

آکسین و تورنتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) با داده‌های یک مطالعه پانلی بین نسلی از مادران و فرزندان در آمریکا به این نتیجه رسیدند که نگرش‌های والدینی بر رفتار هم‌باشی<sup>۲</sup> فرزندان حتی بعد از کنترل نگرش خود فرزندان اثرگذار است. یعنی نگرش مثبت مادران در مورد هم‌خانگی با افزایش این رفتار در میان فرزندان همراه بوده است و برعکس. از طرف دیگر، عملکرد فرزندان در این زمینه هم بر طرز تلقی و نگرش والدین درباره هم‌خانگی اثرگذار بوده است.

پیرز-آمدور<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه «شباهت‌های بین نسلی در گذار به ازدواج در مکزیک»، با طرح این موضوع که علی‌رغم تغییرات اجتماعی-اقتصادی فراوان در این کشور، سن ازدواج دختران و پسران از نیمه دوم قرن بیستم هنوز ثابت مانده است، به این نتیجه رسید که فرزندان مادرانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند، احتمال بیشتری دارد که ازدواج زودهنگام را تجربه کنند و این نتیجه حتی بعد از کنترل متغیرهای اجتماعی-اقتصادی آن‌ها باقی می‌ماند. در نهایت، محقق ثبات در سن ازدواج فرزندان را به پیوندهای بین نسلی خانواده نسبت می‌دهد که از طریق انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای والدین به فرزندان تحت فرایند یادگیری و کنترل اجتماعی صورت می‌گیرد. در واقع، در مکزیک که اکثریت نوجوانان و جوانان تا قبل از ازدواج همراه والدین زندگی می‌کنند، تعاملات روزمره بین والدین و فرزندان نفوذ و نظارت‌های خانوادگی را تسهیل می‌کند.

در ایران، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۸۱) به این نتیجه دست یافتند که الگویی از شباهت‌ها و تفاوت‌های نسلی یا به‌عبارتی، تداوم و تغییر در سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر خانواده و نگرش‌های موجود نسبت به آن‌ها در بین سه نسل از خانواده‌های تهرانی وجود دارد.

عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) با مطالعه الگوهای رفتاری و نگرشی نسل جوان نسبت به ازدواج خویشاوندی و ارزیابی تفاوت‌های نسلی به این نتیجه رسیدند که حتی تفاوت‌های دو نسل والدین و فرزندان در زمینه‌هایی مانند سکونت در شهر و تحصیلات به کاهش مطلوبیت و رواج ازدواج خویشاوندی در میان نسل دوم منجر نشده است. آن‌ها ضمن نشان دادن تأثیر پایدار قومیت بر الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، سرانجام به این نتیجه دست یافتند که الگوهای رفتاری و نگرشی فرزندان درباره ازدواج خویشاوندی با الگوی ازدواج والدین آن‌ها در رابطه مستقیم است. همچنین، ویژگی‌های والدین به‌صورت متفاوت بر نگرش فرزندان دختر و پسر در مورد این ازدواج اثر می‌گذارد.

1. Axinn and Thornton
2. Cohabitation
3. Perez-Amador

عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) به این نتایج رسیدند که در شهر یزد دو نسل مادران و دختران در مورد سن مناسب ازدواج و همچنین مخالفت با چندهمسری مردان اجماع و توافق نظر دارند و در این زمینه‌ها ثبات دیده می‌شود. از سوی دیگر، در ابعادی چون نگرش به زمان‌بندی فرزند اول، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و مجردماندن تفاوت‌های معنی‌داری در بین دو نسل وجود داشته و دختران از ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری برخوردار بوده‌اند. زارع و اصل روستا (۱۳۸۹) در مطالعه خود دریافتند که در ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان شهر هشتگرد در زمینه انتخاب همسر از قبیل سن مناسب برای ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر، و ازدواج فامیلی تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد. رازقی نصرآباد و سرایی (۱۳۹۳) با مطالعه تحلیل نسلی نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان دریافتند که در نگرش‌های ارزش فرزند سه گروه هم‌دوره تولد دهه ۱۳۴۰، دهه ۱۳۵۰ و دهه ۱۳۶۰ به بعد تفاوت‌های معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که، گروه اخیر ارزش کمتری برای فرزند قائلند هرچند که در مجموع، فرزندآوری برای تمامی آن‌ها اهمیت دارد و جزء ارزش‌های آن‌هاست.

محمودیان و همکاران (۱۳۹۴) نیز در بررسی تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی و عوامل پشتیبان در کرمانشاه، به این نتیجه رسیدند که سطح تحصیلات افراد مورد مطالعه، سطح تحصیلات مادران و نسبت خویشاوندی والدین با یکدیگر، بر وقوع ازدواج خویشاوندی در نسل بعدی مؤثر است. همچنین، سابقه ازدواج فامیلی والدین، مهم‌ترین عامل مؤثر بر ازدواج خویشاوندی در بین فرزندان است.

در مجموع، نتیجه‌ای که از مطالعات فوق به دست می‌آید آن است که ابعاد مختلف ازدواج، خانواده و فرزندآوری در محیط‌های مختلف تحت تأثیر تحولات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی دچار تغییر شده است. با وجود این، در برخی از ابعاد تداوم برقرار بوده و تغییرات آرام‌تر است. به نظر می‌رسد که علاوه بر عوامل قومی و فرهنگی، الگوهای رفتاری و نگرشی والدین و نسل‌های قبل‌تر در زمینه ازدواج و فرزندآوری هنوز از عوامل اثرگذار بر ابعاد رفتاری و نگرشی نسل جدید به‌شمار می‌روند.

### ۳. روش‌شناسی

قلمرو مکانی تحقیق، شهرستان سنندج، مرکز و بزرگ‌ترین شهرستان استان کردستان است. شهرستان مورد مطالعه با مساحتی در حدود ۳۲۸۴ کیلومتر مربع، در سال ۱۳۹۵ دارای ۴ بخش، ۲ شهر و ۱۲ دهستان بوده است. مردم شهرستان گُرد و اهل تسنن و پیرو امام شافعی هستند. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، این شهرستان دارای ۵۰۱۴۰۲ نفر جمعیت بوده و بیش از ۳۱



درصد کل جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. به علاوه، ۳۶/۵ درصد از جمعیت شهری و ۱۸/۶ درصد از جمعیت روستایی استان را دربرگرفته است (پردازش براساس مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷).

روش تحقیق مبتنی بر تحلیل ثانویه کمی است و داده‌های این مطالعه برگرفته از «پیمایش ایدئال‌ها و رفتارهای باروری سنندج»<sup>۱</sup> است که در پاییز سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. پیمایش مذکور به روش میدانی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه محقق‌ساخته در میان افراد خانوارها انجام شد. لازم به ذکر است که پرسش‌نامه‌های پیمایش با کمک پرسش‌نامه‌های مطالعات قبلی<sup>۲</sup> طراحی و تدوین شد. به علاوه، در میدان تحقیق به صورت مقدماتی به اجرا درآمد. در پیمایش مذکور، جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای معمولی ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان سنندج، و مطابق با نتایج سرشماری برابر با ۱۲۶۸۶۱ خانوار بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). حجم نمونه پیمایش با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۵۰۰ خانوار (۳۳۶ خانوار شهری و ۱۶۴ خانوار روستایی) برآورد گردید، و خانوارهای نمونه با ترکیبی از روش‌های طبقه‌ای متناسب و نامتناسب، خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای، تصادفی ساده، و تصادفی سیستماتیک برگزیده شدند.

در مقاله حاضر و به اقتضای موضوع مورد مطالعه، برای انجام تحلیل‌ها، صرفاً زیرنمونه‌ای از زنان واجد شرایطی که دارای حداقل یک فرزند (اعم از پسر و دختر) هرگز ازدواج‌نکرده واقع در سنین ۱۵-۲۹ ساله بوده‌اند، انتخاب شدند. به این ترتیب، ۲۱۰ مادر و ۲۱۰ جوان (شامل ۱۰۷ نفر پسر و ۱۰۳ نفر دختر) هرگز ازدواج‌نکرده آن‌ها که امکان هم‌تا نمودن و پیوند زدن اطلاعاتشان در فایل داده‌های اصلی پیمایش وجود داشت، انتخاب گردیده و معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری مربوط به این دو نسل مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. در جدول (۱) مفاهیم و متغیرهای مورد مطالعه و نحوه سنجش آن‌ها تا سطح عملیاتی و با جزئیات آورده شده است.

## 1. Sanandaj's Fertility Ideals and Behaviors Survey (SFIBS)

۲. این مطالعات عبارت بودند از: طرح تحولات باروری در ایران سال ۸۱، پیمایش ملی جوانان سال ۹۲، بررسی ویژگی‌های جمعیتی و بهداشتی ایران سال ۸۹، و طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار سال ۸۳.

جدول ۱. مفاهیم و متغیرهای مطالعه و نحوه سنجش آن‌ها تا سطح عملیاتی

مفهوم	متغیر	نحوه سنجش، مقوله‌ها و گدبندی
ویژگی‌های جمعیتی	۱- محل سکونت: ۲- محل تولد: ۳- سن: ۴- زبان مورد تکلم: ۵- مذهب: ۶- سطح تحصیلات: ۷- وضعیت اشتغال:	شهر (۱)، روستا (۲) شهر (۱)، روستا (۲) به صورت باز و در مقیاس فاصله‌ای گردی (۱)، سایر (۲) سنی (۱)، شیعه (۲) بی‌سواد (۱)، سوادآموزی و ابتدایی (۲)، راهنمایی (۳)، متوسطه و دیپلم (۴)، دانشگاهی (۵) شاغل (۱)، غیر شاغل (۲)
	۱- نگرش در مورد زمان مناسب برای ازدواج (به عقیده شما، مناسب‌ترین زمان برای ازدواج پسر و دختر کدام است؟) ۲- نگرش در مورد سن مناسب برای ازدواج ۳- نگرش در مورد ازدواج خویشاوندی (به نظر شما، پسران و دختران بهتر است با چه کسی ازدواج کنند؟)	برای پسران: بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی (۱)، بعد از اشتغال به کار (۲)، در صورت داشتن شرایط مالی مناسب (۳)، بعد از اتمام دوره سربازی (۴)، سایر (۵) برای دختران: بعد از سن تکلیف (۱)، بعد از اتمام تحصیلات متوسطه (۲)، بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی (۳)، بعد از اشتغال به کار (۴)، سایر (۵) به نظر شما، بهترین سنی که پسر و دختر می‌توانند ازدواج کنند، حداقل و حداکثر چه سنی است؟ افراد خویشاوند (۱)، افراد غیر خویشاوند (۲)، فرقی نمی‌کند (۳)
ایدهال‌های ازدواج	۱- نگرش در مورد تعداد فرزند مطلوب در هنگام ازدواج ۲- نگرش در مورد تعداد مطلوب فرزند در حال حاضر ۳- نگرش در مورد فاصله‌گذاری بین فرزندان	مادر: وقتی ازدواج کردید دوست داشتید چند فرزند (پسر و دختر) داشته باشید؟ فرزند: در صورتی که ازدواج بکنید، دوست دارید چند فرزند (پسر و دختر) داشته باشید؟ به نظر شما، امروزه برای هر زن و شوهر چند فرزند (پسر و دختر) کافی است؟ به نظر شما، فاصله سنی بین فرزندان به طور متوسط چند سال باید باشد؟
	ایدهال‌های فرزند آوری	۱- والدین بایستی فرزندان زیادی داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند. ۲- داشتن فرزند زیاد، کمک خوبی برای افزایش درآمد خانواده در آینده است. ۳- داشتن فرزند زیاد موجب ایجاد فشارهای روحی و روانی برای والدین می‌شود. ۴- فرزند زیاد، باعث می‌شود والدین نتوانند آنها را خوب تربیت کنند. ۵- فرزند زیاد باعث ایجاد فشار مالی بر خانواده می‌شود. ۶- مردم اگر درآمد بیشتری داشته باشند، فرزندان بیشتری به دنیا می‌آورند. ۷- هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد، وابستگی زن و شوهر بیشتر می‌شود. ۸- جلوگیری از بارداری، دخالت در کار خداست. ۹- با داشتن فرزند زیاد، والدین احساس می‌کنند که بعد از مرگشان زنده‌اند. ۱۰- خانواده‌ها برای افزایش قدرت قوم و طایفه خود باید فرزندان زیادی به دنیا آورند.
		۴- نگرش در مورد ارزش فرزند(ان): (لطفاً نظر موافق یا مخالف خود را درباره گویه‌های مطرح‌شده بیان کنید.)
		موافق (۱)، مخالف (۲)

### ع. یافته‌ها

اولین بخش از یافته‌های تحقیق به ویژگی‌های جمعیتی دو نسل مادران و فرزندان اختصاص دارد. این ویژگی‌ها در جدول (۲) منعکس شده است. طبق نتایج جدول، ۷۶/۷ درصد از مادران و فرزندان پاسخگو در شهر (سنندج)، و بقیه در نقاط روستایی شهرستان سکونت داشته‌اند. این ارقام با نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین شهرستان که به ترتیب معادل ۸۳/۵ و ۱۶/۵ درصد است همخوانی نسبی دارد.

نتایج مرتبط با محل تولد پاسخگویان، گویای دو نکته است: اول، بسیاری از مادران (حدود ۵۲ درصد) از زمینه روستایی برخوردارند، یعنی متولد یا بزرگ‌شده روستا هستند، در حالی که اکثریت فرزندان، یعنی ۶۶/۴ درصد از پسران و ۷۱/۸ درصد از دختران در محیط شهری متولد شده و رشدونمو یافته‌اند. دوم، بسیاری از مادران به واسطه ازدواج یا همراه خانوار از محیط اولیه خود مهاجرت کرده‌اند، در صورتی که این وضعیت بر فرزندان صدق نمی‌کند. این شرایط به‌طور قطع، می‌تواند به‌صورت متفاوتی ایده‌ها و رفتارهای ازدواجی و فرزندآوری دو نسل را تحت تأثیر قرار دهد.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیتی دو نسل مادران و فرزندان (جوانان ۲۹-۱۵ ساله هرگز ازدواج‌نکرده) مورد مطالعه

فرزندان		مادران		مقوله‌ها		ویژگی‌های جمعیتی	
%	f	%	f	%	f		
۷۵/۷	۷۸	۷۷/۶	۸۳	۷۶/۷	۱۶۱	شهر	محل سکونت
۲۴/۳	۲۵	۲۲/۴	۲۴	۲۳/۳	۴۹	روستا	
۷۱/۸	۷۴	۶۶/۴	۷۱	۴۸/۱	۱۰۱	شهر	محل تولد
۲۸/۲	۲۹	۳۳/۶	۳۶	۵۱/۹	۱۰۹	روستا	
۲۰/۴		۲۰/۷		۴۲/۷		میانگین سنی (سال)	
۹۶/۱	۹۹	۹۴/۴	۱۰۱	۹۲/۹	۱۹۵	کردی	زبان مورد تکلم
۳/۹	۴	۵/۶	۶	۷/۱	۱۵	سایر	
۹۳/۲	۹۶	۸۶/۹	۹۳	۸۷/۱	۱۸۳	سُنی	مذهب
۶/۸	۷	۱۳/۱	۱۴	۱۲/۹	۲۷	شیعه	
۰	۰	۰	۰	۳۱	۶۵	بی‌سواد	سطح تحصیلات
۴/۹	۵	۳/۷	۴	۲۹	۶۱	سوادآموزی و ابتدایی	
۱۲/۶	۱۳	۵/۶	۶	۱۵/۷	۳۳	راهنمایی	
۳۴	۳۵	۴۴/۹	۴۸	۱۰	۲۱	متوسطه و دیپلم	
۴۸/۵	۵۰	۴۵/۸	۴۹	۱۴/۳	۳۰	دانشگاهی	
۱۲/۹		۱۲/۸		۵/۷		میانگین تعداد سال‌های تحصیل	
۲/۹	۳	۱۷/۸	۱۹	۱۱	۲۳	شاغل	وضعیت اشتغال
۹۷/۱	۱۰۰	۸۲/۲	۸۸	۸۹	۱۸۷	غیر شاغل	
۱۰۰	۱۰۳	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰	۲۱۰	جمع	

میانگین سنی مادران مورد مطالعه ۴۲/۷ سال، و میانگین سنی فرزندان آن‌ها روی هم‌رفته حدود ۲۰/۵ سال می‌باشد. نتایج مرتبط با زبان مورد تکلم و مذهب پاسخگویان حاکی از آن است که اکثریت مادران و فرزندان مورد مطالعه با زبان کُردی تکلم می‌کنند (به‌طور متوسط بیش از ۹۳ درصد) و مذهب آن‌ها سُنی (به‌طور متوسط بیش از ۸۷ درصد) است. نکته قابل توجه در مورد نسل جوان در سه ویژگی فوق آن است که دختران اندکی جوان‌تر از پسران بوده و نسبت بیشتری از آنان در مقایسه با پسران دارای زبان مادری کُردی و مذهب سُنی بوده‌اند.

نتایج مرتبط با وضعیت تحصیلات مادران و فرزندان نشان‌دهنده شکاف و فاصله عمیق در بین دو نسل است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۳۱ درصد از مادران پاسخگو بی‌سواد، و درصد قابل توجهی از آنان (۴۴/۷ درصد) دارای تحصیلات سوادآموزی تا راهنمایی می‌باشند و فقط ۱۴/۳ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. این در حالی است که در نسل جوان به‌طور کلی ۳۹/۵ درصد از فرزندان دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم، و ۴۷ درصدشان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. همچنین، با توجه به اینکه علاوه بر وضعیت سواد و سطح تحصیلی پاسخگویان، به صورت دقیق آخرین مدرک یا دوره تحصیلی آن‌ها نیز سنجیده شد، میانگین تعداد سال‌های تحصیل برای آنان هم محاسبه شد. این میانگین در جدول (۲) نشان داده شده و گویای فاصله زیاد در بین دو نسل است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین تعداد سال‌های تحصیل نسل جوان نزدیک به ۱۳ سال و بیش از دو برابر رقم متناظر برای نسل مادران (۵/۷ سال) می‌باشد. به‌طور مسلم این وضعیت یعنی تفاوت‌های تحصیلی هم می‌تواند در تفاوت‌های احتمالی معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری دو نسل اثرگذار باشد. نکته قابل ذکر دیگر مربوط به مقایسه وضعیت تحصیلی فرزندان پسر و دختر است و آن اینکه اگرچه تعداد و نسبت دختران در سطوح تحصیلی پایین بیشتر به چشم می‌آید، اما وضعیت آنان در سطوح تحصیلی بالا به‌طور نسبی بهتر از پسران بوده است.

نتایج مرتبط با وضعیت اشتغال نیز نشان می‌دهد که نسبت بالاتری از فرزندان پسر (۱۷/۸ درصد) در مقایسه با فرزندان دختر (۲/۹ درصد) و حتی مادرانشان (۱۱ درصد) شاغل بوده‌اند. به طور خلاصه، اطلاعات جدول (۲) حکایت از آن دارد که نسل جوان در مقایسه با مادرانشان از تحصیلات بیشتری برخوردار بوده و غالباً دارای زمینه و خاستگاه شهری می‌باشند که می‌تواند بر رفتارها و نگرش‌های آن‌ها در هر زمینه‌ای اثرگذار باشد.

در جدول (۳)، نتایج مربوط به مقایسه معیارهای مطلوب ازدواج دو نسل مادران و فرزندان آمده است. بخش اول جدول، توزیع نگرش پاسخگویان در مورد مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج پسران و دختران را نشان می‌دهد. نتایج این مورد به صورت زیر قابل ذکر است؛ در حالی که ۵۲/۹ درصد از مادران، ازدواج برای پسر را بعد از «اشتغال به کار» مناسب دانسته‌اند، ۴۸/۵ درصد از

فرزندان دختر و ۳۹/۳ درصد از فرزندان پسر چنین نگرشی داشته‌اند. از طرف دیگر، ۳۷/۹ درصد از فرزندان دختر، موقعیت مناسب برای ازدواج پسر را «در صورت داشتن شرایط مالی مناسب» بیان کرده‌اند و نسبت متناظر برای فرزندان پسر ۳۵/۵ درصد و برای مادران ۲۷/۶ درصد می‌باشد. به‌طور خلاصه، اگرچه یافته‌ها حاکی از توافق نظر و اجماع هر سه گروه از پاسخگویان بر مهم بودن شرایط شغلی و اقتصادی مساعد به‌عنوان پیش‌زمینه ازدواج پسران است، اما این نگرش در بین دختران جوان و مادرانشان مقبولیت بیشتری داشته است. با وجود این، همان‌طور که نتیجه آزمون‌های دو نشان داده است، به صورت بین‌گروهی تفاوت آماری معناداری در مورد نگرش به موقعیت مناسب ازدواج پسر در بین دو نسل مشاهده نمی‌شود.

در مورد نگرش به مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج دختر، نتایج، نگرش‌های متفاوت پاسخگویان را بازگو می‌کند. در حالی که نگرش مادران و فرزندان پسر بسیار به هم شبیه است، اما نگرش فرزندان دختر بسیار متفاوت از آن دو گروه است. به‌عنوان مثال، نسبت فرزندان پسر و مادران در دو مقوله «بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و دانشگاهی» قابل توجه است، اما درصد بالایی از فرزندان دختر در دو مقوله «بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی (۵۴/۵ درصد)» و «بعد از اشتغال به کار (۱۳/۶ درصد)» توزیع شده و نسبت بسیار کمی در مقوله «بعد از سن تکلیف (۱/۹ درصد)» قرار گرفته‌اند. بر طبق آزمون‌های دو، تفاوت نگرش مادران و فرزندان در خصوص مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج دختر از نظر آماری معنادار بوده است. حتی این تفاوت نگرشی معنادار (نتایج آن در اینجا نشان داده نشده است) در بین فرزندان نیز وجود داشته است.

یافته بعدی در ارتباط با نگرش پاسخگویان در مورد میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران است. طبق نتایج، چه در مورد پسر و چه در مورد دختر، می‌توان توافق نظر دو گروه مادران و فرزندان پسر را استنباط کرد، به‌طوری که هر دو گروه، سن متوسط ۲۶ سال را برای ازدواج پسر و حدود ۲۱/۵ سال را برای ازدواج دختر مناسب دانسته‌اند. اما دختران جوان هم برای پسر و هم برای دختر، ازدواج در سن بالاتر (به‌ترتیب متوسط ۲۷ و ۲۳/۵ سال) را مناسب ذکر کرده‌اند. آزمون‌های مستقل تفاوت نگرش دو نسل مادران و فرزندان را در خصوص سن مناسب ازدواج پسر غیرمعنادار، اما تفاوت نگرش‌ها نسبت به سن مناسب ازدواج دختر را معنادار نشان می‌دهد. همچنین، به منظور مقایسه نگرش‌های پاسخگویان، تحلیل واریانس یک‌طرفه (که نتایج آن در اینجا نشان داده نشده است)، تفاوت نگرش هر سه گروه را در مورد سن ازدواج هم پسر و هم دختر از نظر آماری معنادار نشان داد و بر طبق آزمون توکی مادران و فرزندان پسر در یک گروه و فرزندان دختر در گروهی دیگر متمایز شدند.

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

جدول ۳. توزیع نسبی دو نسل مادران و فرزندان در ارتباط با نگرش‌ها و معیارهای مطلوب ازدواج

معیارهای مطلوب ازدواج		مقوله‌ها	مادران		فرزندان		
			پسر		دختر		
			f	%	f	%	
نگرش در مورد مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج	پسر	بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی	۱۳	۶/۲	۷	۶/۵	
		بعد از اشتغال به کار	۱۱۱	۵۲/۹	۴۲	۳۹/۳	
		در صورت داشتن شرایط مالی مناسب	۵۸	۲۷/۶	۳۸	۳۵/۵	
		بعد از اتمام دوره سربازی	۲۷	۱۲/۹	۱۶	۱۵	
		سایر	۱	۰/۵	۴	۳/۷	
		جمع	۲۱۰	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰	
	Chi-Square= ۱۳/۴۳۶		df= ۱		p= ۰/۰۹۸		Cramer's V= ۰/۱۳۶
	دختر	بعد از سن تکلیف	۱۰	۴/۸	۱۲	۱۱/۲	
		بعد از اتمام تحصیلات متوسطه	۶۳	۳۰	۳۵	۳۲/۷	
		بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی	۱۰۷	۵۱	۴۷	۴۳/۹	
بعد از اشتغال به کار		۱۷	۸/۱	۹	۸/۴		
سایر		۱۳	۶/۲	۴	۳/۷		
جمع		۲۱۰	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰		
Chi-Square= ۲۱/۷۵۸		df= ۱		p= ۰/۰۰۵		Cramer's V= ۰/۱۶۱	
نگرش در مورد سن مناسب ازدواج (میانگین)	پسر	Independent Samples Test	۲۶	۲۵/۹	۲۷	t= -۱/۴۹۵	
		df= ۴۱۸	p= ۰/۱۳۶				
	دختر	Independent Samples Test	۲۱/۹	۲۱/۶	۲۳/۵	t= -۲/۲۸۵	
		df= ۴۱۸	p= ۰/۰۲۳				
نگرش در مورد ازدواج خویشاوندی	پسر	خویشاوند	۲۸	۱۲/۹	۱۴	۱۳/۱	
		غیر خویشاوند	۸۹	۴۲/۴	۵۶	۵۲/۳	
		فرقی نمی‌کند	۹۴	۴۴/۸	۳۷	۳۴/۶	
		جمع	۲۱۰	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰	
	Chi-Square= ۲۱/۶۷۱		df= ۲		p= ۰/۰۰۰		Cramer's V= ۰/۲۲۷
	دختر	خویشاوند	۲۸	۱۳/۳	۱۳	۱۲/۱	
		غیر خویشاوند	۸۹	۴۲/۴	۵۹	۵۵/۱	
		فرقی نمی‌کند	۹۳	۴۴/۳	۳۵	۳۲/۷	
		جمع	۲۱۰	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰	
	Chi-Square= ۲۴/۰۹۸		df= ۲		p= ۰/۰۰۰		Cramer's V= ۰/۲۴۰

آخرین یافته جدول ۳، مربوط به نگرش به ازدواج خویشاوندی است. نتایج جدول در این زمینه هم حاکی از وجود تقارن در نگرش دو گروه مادران و فرزندان پسر، و وجود تفاوت اساسی در نگرش فرزندان دختر با آن دو گروه است. در حالی که درصد قابل توجهی از مادران و فرزندان پسر هم در مورد پسر و هم در مورد دختر در مقوله‌های «فرقی نمی‌کند» یا «خویشاوند» توزیع

شده‌اند، اکثریت فرزندان دختر (۷۷/۷ درصد) در مقوله «غیرخویشاوند» قرار گرفته و این نشان می‌دهد که آنان ازدواج‌های غیرخویشاوندی را بیشتر ترجیح می‌دهند. اگر فرض کنیم که نیمی از مادران و فرزندان پسری که گزینه «فرقی نمی‌کند» را انتخاب کرده‌اند، متمایل به ازدواج خویشاوندی و نیم دیگر متمایل به ازدواج غیرخویشاوندی باشند، به‌طور متوسط حدود ۳۴ و ۳۰ درصد آنان متمایل به ازدواج پسر و دختر با یکی از افراد فامیل هستند. با همین رویکرد، این رقم در بین فرزندان دختر به‌طور متوسط تنها حدود ۱۴ درصد یا کمتر می‌باشد. برای بررسی تفاوت یا عدم تفاوت آماری نگرش دو نسل مادران و فرزندان در این خصوص هم از آزمون خی‌دو استفاده شد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، نتیجه این آزمون تفاوت‌های نگرشی دو نسل را در سطح ۹۹ درصد معنادار نشان می‌دهد. حتی نتیجه آزمون (در اینجا نشان داده نشده است)، نگرش فرزندان پسر و دختر را از نظر آماری متفاوت و معنادار نشان داد و مشخص کرد که فرزندان پسران بیش از فرزندان دختران با ازدواج خویشاوندی موافق هستند.

به‌طور خلاصه، از اطلاعات جدول (۳) می‌توان نتیجه گرفت که هر دو نسل مادران و فرزندان (جوانان پسر و دختر) در خصوص شرایط قبل از ورود به ازدواج با همدیگر توافق نظر نسبی دارند، اگرچه به‌ویژه فرزندان دختر در مورد ازدواج دختر دیدگاه مدرن‌تری در مقایسه با مادران و جوانان پسر داشته‌اند. اما، در خصوص متوسط سن ورود به ازدواج و به‌ویژه ترجیح ازدواج خویشاوندی تفاوت بین دو نسل محدود به تفاوت نگرش بین مادران و فرزندان دختر شده است. به‌عبارت دیگر، در این زمینه‌ها جوانان دختر نه‌تنها نگرش متفاوتی از مادرانشان داشته‌اند بلکه ایده‌های آن‌ها متفاوت از نگرش جوانان پسر هم بوده است. خلاصه آنکه، آزمون‌های آماری به‌غیر از نگرش مادران و فرزندان پسر، گویای تفاوت‌های معنادار بین‌گروهی بوده و می‌توان استنباط کرد که جوانان دختر نگرش مدرن‌تری نسبت به ازدواج دختر و حتی پسر اظهار نموده‌اند.

بخش بعدی یافته‌ها، به مقایسه نگرش‌ها و معیارهای مطلوب فرزندآوری دو نسل اختصاص یافته است. در جدول (۴)، نگرش دو نسل در مورد تعداد فرزند مطلوب در هنگام ازدواج و حال حاضر، نگرش در مورد فاصله بین فرزندان، و همچنین نگرش در مورد ارزش فرزندان به‌صورت میانگین ارائه شده است. در جدول (۵) نیز، گویه‌های نگرشی مرتبط با ارزش فرزندان و نوع دیدگاه (سنتی یا مدرن) دو نسل ارائه و با همدیگر مقایسه شده است.

در بخش اول جدول (۴)، نتایج مربوط به نگرش در مورد تعداد فرزند مطلوب یا دلخواه در هنگام ازدواج با شاخص‌های میانگین، حداقل و حداکثر مقدار آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، رقم حداقل و حداکثر مقدار در بین مادران بیشتر از فرزندان است. همچنین، میانگین تعداد فرزند مطلوب مادران در هنگام ازدواج (۳/۱ فرزند) بیشتر از میانگین متناظر برای نسل

فرزندان پسر (۲/۱ فرزند) و فرزندان دختر (۱/۸ فرزند) می‌باشد. مطابق با آزمون تی مستقل، تفاوت‌های بین‌نسلی از نظر آماری معنادار بوده است.

در بخش دوم جدول (۴)، نتایج مربوط به نگرش در مورد تعداد فرزند مطلوب برای هر زوج در حال حاضر منعکس شده است. در این مورد هم مشاهده می‌شود که رقم حداقل و حداکثر مقدار در بین مادران بیشتر از فرزندان است. همچنین، میانگین تعداد فرزند مطلوب مادران در حال حاضر (۲/۶ فرزند) بیشتر از میانگین متناظر برای نسل فرزندان چه پسر (۲/۱ فرزند) و چه دختر (۱/۸ فرزند) می‌باشد. در این زمینه هم تمامی تفاوت‌های بین‌نسلی از نظر آماری معنادار بوده است. نکته قابل توجه آنکه مادران در مقایسه با زمان ازدواج، امروزه میانگین تعداد فرزند کمتری را به‌عنوان ایدئال مد نظر دارند، و حتی معیارهای مطلوب باروری زمان ازدواج و حال حاضر آن‌ها پایین‌تر از رقم باروری واقعی، یعنی متوسط ۳/۵ فرزند زنده به‌دنیا آورده می‌باشد. این تفاوت و فاصله بین تعداد فرزند مطلوب و باروری واقعی را می‌توان به‌عنوان باروری ناخواسته در میان مادران مورد مطالعه تلقی نمود. اما در بین نسل فرزندان، ارقام میانگین تعداد فرزند دلخواه در هنگام ازدواج و تعداد فرزند مطلوب برای زوجین امروزی برابر است و به‌طور ضمنی می‌توان تمایل کم‌فرزندی در بین جوانان امروزی را به‌عنوان یک واقعیت استنباط نمود. البته نکته قابل‌توجهی هم در نسل فرزندان مشاهده می‌شود و آن اینکه فرزندان دختر در مقایسه با هم‌تایان پسر، معیارهای مطلوب فرزندآوری نسبتاً پایین‌تری داشته‌اند.

در بخش سوم جدول (۴)، نتایج مربوط به نگرش در مورد فاصله‌گذاری مناسب در بین فرزندان آمده است. در این مورد برعکس نتایج قبلی، مشاهده می‌شود که رقم حداکثر مقدار در بین مادران کمتر از فرزندان است. همچنین، میانگین تعداد سال‌های فاصله بین فرزندان از نظر مادران (۳/۹ سال) کمتر از میانگین متناظر برای نسل فرزندان چه پسر (۴/۳ سال) و چه دختر (۴/۴ سال) می‌باشد. در این زمینه، تفاوت‌های نگرشی هر دوی فرزندان با مادرانشان معنادار بوده و می‌توان استنباط کرد که فاصله‌گذاری بیشتر در بین فرزندان یکی از معیارهای مطلوب فرزندآوری جوانان امروزی به‌حساب می‌آید.

آخرین قسمت جدول (۴)، به مقایسه میانگین نمره نگرش به ارزش فرزند در بین دو نسل اختصاص دارد. این میانگین از پاسخ‌های داده‌شده به گویه‌های مندرج در جدول (۵) به دست آمده است. با توجه به اینکه ۷ گویه از ۱۰ گویه مطرح‌شده یعنی گویه‌های اول، دوم و ششم تا دهم بیانگر دیدگاه‌های سنتی فرزندآوری (ارزش مثبت فرزند) است و موافقت با آن‌ها کُد ۱ گرفته است، بنابراین نمره پایین‌تر نشانه ارزش بیشتر برای فرزند یا دیدگاه سنتی درباره ارزش فرزند بوده است و برعکس. نتایج میانگین نگرش به ارزش فرزند در بین دو نسل حاکی از آن است که



مقایسه میان نسلی ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری

مادران ارزش بیشتری برای فرزند قائلند و تفاوت میانگین نگرش آنان با هر دو گروه فرزندان معنادار بوده است.

جدول ۴. مقایسه نگرش‌ها و معیارهای مطلوب فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان

فرزندان						مادران			معیارهای مطلوب فرزندآوری
دختر			پسر			Max.	Min.	M	
Max.	Min.	M	Max.	Min.	M				Max.
۵	۰	۱/۸	۶	۰	۲/۱	۹	۱	۳/۱	نگرش در مورد تعداد فرزند مطلوب یا دلخواه در هنگام ازدواج
$t = 1.0/424 \quad df = 418 \quad p = .000$									
۴	۰	۱/۸	۴	۱	۲/۱	۴	۱	۲/۶	نگرش در مورد تعداد فرزند مطلوب برای هر زوج در حال حاضر
$t = 6.839 \quad df = 418 \quad p = .000$									
۱۰	۱	۴/۴	۱۰	۱	۴/۳	۸	۱	۳/۹	نگرش در مورد فاصله‌گذاری مناسب در بین فرزندان به سال
$t = -3.215 \quad df = 418 \quad p = .001$									
۲۰	۱۰	۱۵/۷	۲۰	۱۱	۱۵/۵	۱۹	۱۰	۱۵/۰	نگرش در مورد ارزش فرزندان
$t = -3.015 \quad df = 418 \quad p = .003$									

در جدول ۵ توزیع درصدی نگرش مادران و فرزندان پسر و دختر نسبت به تک‌تک گویه‌های ارزش فرزند آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در گویه‌های شماره ۱، ۸، ۹ و ۱۰ که بیانگر ارزش‌ها و دیدگاه‌های سنتی نسبت به ارزش فرزند است، تفاوت‌هایی در بین دو نسل مادران و فرزندان وجود دارد. به‌عنوان مثال، ۵۱/۹ درصد از مادران نسبت به گویه شماره ۱ (والدین بایستی فرزندان زیادی داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند) اظهار موافقت کرده‌اند، حال آنکه نسبت متناظر برای فرزندان پسر ۴۲/۱ درصد و برای فرزندان دختر ۳۱/۱ درصد است. یا در ارتباط با گویه شماره ۹ (با داشتن فرزند زیاد، والدین احساس می‌کنند که بعد از مرگشان زنده‌اند)، ۴۴/۸ درصد از مادران ابراز موافقت کرده‌اند، در حالی که نسبت متناظر برای فرزندان پسر ۳۳/۶ درصد و برای فرزندان دختر ۳۲ درصد می‌باشد. با طبقه‌بندی نمره نگرش پاسخگویان در دو مقوله دیدگاه سنتی و مدرن، نتایج نشان داد که بیش از ۳۵ درصد پاسخگویان نسل اول دیدگاهشان درباره ارزش فرزندان با انگاره‌های سنتی نزدیک‌تر می‌نماید. این رقم در فرزندان پسر ۲۶/۲ و در فرزندان دختر ۲۴/۳ درصد پاسخگویان را دربرمی‌گیرد. برعکس، ۷۳/۸ درصد از فرزندان پسر و ۷۵/۷ درصد از فرزندان دختر در مقوله مدرن قرار گرفته، حال آنکه این رقم در پاسخگویان نسل اول ۶۴/۸ درصد می‌باشد. براساس نتایج جدول، گویی نگرش مادران در رابطه با ارزش فرزند در مقایسه با نگرش فرزندان به‌ویژه فرزندان دختر سنتی‌تر است. همان‌طور که در ردیف آخر جدول (۵) هم مشاهده می‌شود، نتیجه آزمون‌های دو تفاوت دیدگاه نسل مادران و فرزندان در خصوص ارزش فرزندان را از نظر آماری معنادار نشان داده است.

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

جدول ۵. توزیع نسبی نگرش نسبت به گویه‌های ارزش فرزند در میان دو نسل مادران و فرزندان

گویه‌های نگرشی مرتبط با ارزش فرزند یا فرزندان		مادران (%)		فرزندان (%)	
		موافق	مخالف	پسر	دختر
۱- والدین بایستی فرزندان زیادی داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند.	۵۱/۹	۴۸/۱	۴۲/۱	۵۷/۹	۳۱/۱
۲- داشتن فرزند زیاد، کمک خوبی برای افزایش درآمد خانواده در آینده است.	۲۱/۹	۷۸/۱	۲۳/۴	۷۶/۶	۱۷/۵
۳- داشتن فرزند زیاد موجب ایجاد فشارهای روحی و روانی برای والدین می‌شود.	۷۴/۳	۲۵/۷	۷۲	۲۸	۷۸/۶
۴- فرزند زیاد، باعث می‌شود والدین نتوانند آنها را خوب تربیت کنند.	۶۰	۴۰	۶۶/۴	۳۳/۶	۶۴/۱
۵- فرزند زیاد باعث ایجاد فشار مالی بر خانواده می‌شود.	۹۰	۱۰	۸۰/۴	۱۹/۶	۸۶/۴
۶- مردم اگر درآمد بیشتری داشته باشند، فرزندان بیشتری به دنیا می‌آورند.	۴۶/۲	۵۳/۸	۳۹/۳	۶۰/۷	۴۴/۷
۷- هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد، وابستگی زن و شوهر بیشتر می‌شود.	۳۷/۶	۶۲/۴	۳۸/۳	۶۱/۷	۲۷/۲
۸- جلوگیری از بارداری، دخالت در کار خداست.	۳۶/۲	۶۳/۸	۲۲/۴	۷۷/۶	۲۵/۲
۹- با داشتن فرزند زیاد، والدین احساس می‌کنند که بعد از مرگشان زنده‌اند.	۴۴/۸	۵۵/۲	۳۳/۶	۶۶/۴	۳۲
۱۰- خانواده‌ها برای افزایش قدرت قوم و طایفه خود باید فرزندان زیادی به دنیا آورند.	۳۲/۹	۶۷/۱	۲۹	۷۱	۲۲/۳
نوع دیدگاه درباره ارزش فرزندان	سنتی	۳۵/۲		۲۶/۲	
	مدرن	۶۴/۸		۷۳/۸	
		Chi-Square= ۴/۹۷۸		df= 1	
		Phi= ۰/۱۰۹		p= ۰/۰۲۶	

در مجموع، از اطلاعات مندرج در جداول ۴ و ۵ می‌توان نتیجه گرفت که در معیارهای مطلوب فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان تفاوت‌های بارزی وجود دارد. به بیان دیگر، به فرض اینکه نسل دوم (فرزندان) وارد ازدواج شوند، آن‌ها در مقایسه با نسل اول (مادران)، تعداد فرزند کمتری (کمتر یا در حد جانشینی) را به‌عنوان معیارهای مطلوب مد نظر دارند، برای زوجین امروزی تعداد فرزند کمتری (کمتر یا در حد جانشینی) را مطلوب می‌دانند، تعداد سال‌های بیشتری را برای فاصله‌گذاری در بین فرزندان احتمالی مناسب می‌دانند و ارزش کمتری برای فرزند قائلند و در هر کدام از موارد فوق، نگرش فرزندان دختر متفاوت‌تر از نگرش مادران و حتی اندکی متفاوت از نگرش هم‌تایان پسر می‌باشد.

پایان بخش یافته‌ها، به تحلیل چندمتغیره داده‌ها اختصاص یافته است. تحلیل چندمتغیره بدین منظور انجام گرفت تا پاسخی درخور به این سؤال داده شود که «مهم‌ترین عوامل جمعیتی و زمینه‌ای مؤثر بر معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری در میان پاسخگویان کدام‌اند؟». این تحلیل در چهار نوبت برای بررسی عوامل مؤثر بر معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری پاسخگویان، یعنی نگرش به سن مطلوب ازدواج پسر و دختر، و نگرش به تعداد فرزند دلخواه در

زمان ازدواج و تعداد فرزند مطلوب برای زوجین امروزی انجام گرفت. تکنیک مورد استفاده، آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره<sup>۱</sup> است. برای انجام آزمون، ابتدا داده‌ها و متغیرها به صورت مقتضی آماده شدند، یعنی متغیرهای در مقیاس اسمی مانند محل سکونت (شهر گد ۱، سایر گد ۰)، محل تولد (شهر گد ۱، سایر گد ۰)، زبان مورد تکلم (کردی گد ۱، سایر گد ۰)، مذهب (سنی گد ۱، سایر گد ۰)، وضعیت اشتغال (شاغل گد ۱، سایر گد ۰) و نسل (مادران گد ۱، سایر گد ۰) - فرزند دختر گد ۱، سایر گد ۰) به صورتی که آمده است به متغیرهای تصنعی تبدیل شده، سپس وارد مدل شدند. لازم به ذکر است که روش رگرسیونی مورد استفاده در همه موارد، روش گام‌به‌گام<sup>۲</sup> بوده است. این روش پرکاربردترین مدل رگرسیونی است (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۰۰)، که در آن متغیرهای مستقل به ترتیب اهمیت وارد معادله می‌شوند با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهایی که تاکنون وارد شده‌اند مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معنی‌داری‌شان کاسته شد از مدل خارج، وگرنه باقی می‌مانند. در واقع، این روش ترکیبی از دو روش پیش‌رونده و پس‌رونده<sup>۳</sup> است، یعنی متغیرها به روش پیش‌رونده وارد معادله می‌شوند و به روش پس‌رونده خارج می‌گردند (کرلینجر، ۱۳۸۴: ۳۹۶). نتایج تحلیل چندمتغیره در جداول (۶) و (۷) در چهار قسمت جداگانه آمده است. در ادامه، به شرح و تحلیل نتایج هر جدول پرداخته می‌شود.

قسمت اول جدول (۶) که با رنگ تیره مشخص است، نتایج مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره درباره عوامل جمعیتی، زمینه‌ای و نسلی مؤثر بر نگرش پاسخگویان به سن مطلوب ازدواج پسر را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از ۹ متغیر وارد شده در تحلیل (۷ متغیر تعریف شده به صورت تصنعی به‌علاوه متغیرهای سن و تعداد سال‌های تحصیل)، به ترتیب اهمیت، ۵ متغیر تعداد سال‌های تحصیل، نسل، مذهب، محل سکونت و وضعیت اشتغال دارای اثر معنادار بر متغیر وابسته بوده و روی هم‌رفته ۲۰/۵ درصد از تغییرات نگرش پاسخگویان به سن مناسب ازدواج پسر را توضیح می‌دهند. ضمن اینکه تأثیر متغیر تعداد سال‌های تحصیل بر نگرش به سن ازدواج پسر، مثبت و از همه قوی‌تر است. به عبارت دیگر، طبق نتایج مدل اول (در اینجا نشان داده نشده است)، این متغیر به‌تنهایی ۱۰/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده و طبق انتظار با افزایش آن، پاسخگویان (مادران و فرزندان) سنین بالاتری را برای ازدواج پسر مناسب می‌دانند. اما، چهار متغیر دیگر با هم تنها ۱۰/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده و جهت تأثیرشان، منفی است. به عبارت دیگر، طبق انتظار افرادی که از زمینه سنتی‌تری

1. Linear Multiple Regression
2. Stepwise Method
3. Forward and Backward Method

برخوردارند، یعنی ساکنان روستا و افراد غیرشاغل ازدواج پسر در سنین پایین تر را مطلوب دانسته‌اند. البته برخلاف انتظار، پاسخگویان اهل تشیع در مقایسه با هم‌تایان اهل تسنن، ازدواج پسر در سنین پایین تر را مطلوب دانسته‌اند. نکته جالب و همسو با تحلیل‌های توصیفی آن است که فرزندان پسر در مقایسه با مادران و به‌ویژه جوانان دختر، ازدواج پسر در سن پایین تر را مناسب می‌دانند.

جدول ۶. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره درباره پیش‌بین‌های نگرش به سن مناسب ازدواج پسر و دختر

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	B	$\beta$	S.E	t	P
نگرش به سن مناسب ازدواج پسر	مقدار ثابت	۲۶/۴۳۱	-	۰/۴۵۸	۵۷/۶۷۴	۰/۰۰۰
	تعداد سال‌های تحصیل	۰/۱۵۵	۰/۳۵۸	۰/۰۲۲	۷/۰۳۸	۰/۰۰۰
	نسل (جوانان پسر گروه مرجع)	-۱/۲۹۲	-۰/۳۱۸	۰/۲۷۷	-۴/۶۶۹	۰/۰۰۰
	مذهب (شیعه گروه مرجع)	-۱/۷۰۳	-۰/۳۱۰	۰/۳۶۳	-۴/۶۸۷	۰/۰۰۰
	محل سکونت (روستا گروه مرجع)	-۰/۸۸۳	-۰/۱۴۵	۰/۲۸۴	-۳/۱۱۰	۰/۰۰۲
	وضعیت اشتغال (غیرشاغل گروه مرجع)	-۱/۰۳۲	-۰/۱۲۴	۰/۳۷۸	-۲/۷۳۱	۰/۰۰۷
$R=۰/۴۶۴$ $R^2=۰/۲۱۵$ $R^2_{Adj}=۰/۲۰۶$ $S.E=۲/۳۰۲$ $ANOVA=۲۲/۶۸۳$ $p=۰/۰۰۰$						
نگرش به سن مناسب ازدواج دختر	مقدار ثابت	۲۱/۰۵۳	-	۰/۲۳۵	۸۹/۵۹۶	۰/۰۰۰
	تعداد سال‌های تحصیل	۰/۲۰۹	۰/۴۸۱	۰/۰۲۱	۱۰/۰۶۳	۰/۰۰۰
	نسل (جوانان پسر گروه مرجع)	-۱/۸۳۲	-۰/۳۰۹	۰/۲۶۸	-۶/۸۴۷	۰/۰۰۰
	محل سکونت (روستا گروه مرجع)	-۰/۷۵۷	-۰/۱۲۴	۰/۲۷۵	-۲/۷۵۴	۰/۰۰۶
	مذهب (شیعه گروه مرجع)	-۰/۹۴۵	-۰/۱۱۶	۰/۳۵۲	-۲/۶۸۸	۰/۰۰۷
	$R=۰/۵۱۵$ $R^2=۰/۲۶۵$ $R^2_{Adj}=۰/۲۵۸$ $S.E=۲/۲۲۷$ $ANOVA=۳۷/۳۶۱$ $p=۰/۰۰۰$					

قسمت دوم جدول ۶ نتایج مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره درباره عوامل جمعیتی، زمینه‌ای و نسلی مؤثر بر نگرش پاسخگویان به سن مطلوب ازدواج دختر را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از تمامی متغیرهای وارد شده در تحلیل به‌ترتیب اهمیت، ۴ متغیر تعداد سال‌های تحصیل، نسل، محل سکونت و مذهب دارای اثر معنادار بر متغیر وابسته بوده و روی‌هم‌رفته حدود ۲۶ درصد از تغییرات نگرش افراد به سن مناسب ازدواج دختر را توضیح می‌دهند. ضمن اینکه تأثیر متغیر تعداد سال‌های تحصیل بر نگرش به سن ازدواج، مثبت و از همه قوی‌تر است. به‌عبارت دیگر، طبق نتایج مدل اول (که در اینجا نشان داده نشده است)، این متغیر به‌تنهایی ۱۵/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده و طبق انتظار با افزایش آن، پاسخگویان (مادران و فرزندان) سنین بالاتری را برای ازدواج دختر مناسب می‌دانند. اما، سه متغیر دیگر با همدیگر تنها ۱۰/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده و جهت تأثیرشان، منفی است. به عبارت دیگر، ساکن روستا بودن، تعلق داشتن به مذهب تشیع و تعلق داشتن به نسل جوان پسر در مقایسه با سایرین با نگرش به ازدواج دختر در سنین پایین‌تر همراه بوده است. قسمت اول جدول ۷ که با رنگ تیره مشخص است، نتایج مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره درباره عوامل جمعیتی، زمینه‌ای و نسلی مؤثر بر نگرش پاسخگویان به تعداد فرزند دلخواه در زمان

مقایسه میان نسلی ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری

ازدواج را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از تمامی متغیرهای وارد شده در تحلیل به‌ترتیب اهمیت ۴ متغیر سن، تعداد سال‌های تحصیل، نسل و وضعیت اشتغال دارای اثر معنادار بر متغیر وابسته بوده و در مجموع ۲۷/۵ درصد از تغییرات نگرش افراد به تعداد فرزند دلخواه در زمان ازدواج را توضیح می‌دهند. ضمن اینکه، تأثیر سایر متغیرها به‌جز متغیر تعداد سال‌های تحصیل بر متغیر وابسته مثبت است. به‌عبارت دیگر، بالاتر بودن سن، غیرشاغل بودن و تعلق داشتن به نسل جوان پسر با نگرش به تعداد فرزند بیشتر در زمان ازدواج همراه بوده است. همان‌طور که بیان شد، تأثیر تحصیلات بر متغیر وابسته منفی است. به‌عبارت دیگر، بیشتر بودن تعداد سال‌های تحصیل با تعداد فرزند دلخواه کمتر در زمان ازدواج همراه بوده است. ذکر این نکته هم لازم است که از بین ۴ متغیر فوق، براساس مدل اول (که نتایج آن نشان داده نشده است)، متغیر سن قوی‌ترین تأثیر را داشته و به‌تنهایی نزدیک به ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده است.

در قسمت دوم جدول ۷، نتایج مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره درباره عوامل جمعیتی، زمینه‌ای و نسلی مؤثر بر نگرش پاسخگویان به تعداد فرزند مطلوب برای زوجین امروزی آمده است. در این مورد، از تمامی متغیرهای وارد شده در تحلیل تنها ۲ متغیر تعداد سال‌های تحصیل و مذهب دارای اثر معنادار بر متغیر وابسته بوده و در مجموع ۱۹ درصد از تغییرات نگرش پاسخگویان به تعداد فرزند مطلوب برای زوجین امروزی را توضیح می‌دهند. ضمن اینکه تأثیر متغیر مذهب بر متغیر وابسته مثبت، و تأثیر متغیر تعداد سال‌های تحصیل منفی است. به‌عبارت دیگر، تعلق داشتن به مذهب تشیع با نگرش به تعداد فرزند بیشتر برای زوجین امروزی، و از طرف دیگر، تحصیلات بیشتر با تعداد فرزند ایدئال کمتر برای زوجین در زمانه کنونی همراه بوده است. ذکر این نکته هم لازم است که از دو متغیر فوق، متغیر سن با ضریب بتای ۱۵/۷ درصد اثری بسیار قوی بر متغیر وابسته داشته است.

جدول ۷. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره درباره پیش‌بین‌های نگرش به تعداد فرزند دلخواه در زمان ازدواج و تعداد فرزند مطلوب برای زوجین امروزی

متغیر وابسته	عناصر رگرسیون و متغیرهای مستقل	B	$\beta$	S.E	t	p
دلخواه در زمان ازدواج تعداد فرزند	مقدار ثابت	۰/۸۶۲	-	۰/۴۱۱	۲/۰۹۷	۰/۰۳۷
	سن	۰/۰۵۰	۰/۴۵۲	۰/۰۰۷	۷/۵۶۳	۰/۰۰۰
	تعداد سال‌های تحصیل	-۰/۰۴۳	-۰/۱۹۳	۰/۰۱۲	-۳/۵۷۲	۰/۰۰۰
	نسل (جوانان پسر گروه مرجع)	۰/۳۸۸	۰/۱۲۹	۰/۱۵۲	۲/۵۴۳	۰/۰۱۱
	وضعیت اشتغال (غیرشاغل گروه مرجع)	۰/۴۱۳	۰/۰۹۷	۰/۱۹۶	۲/۱۰۴	۰/۰۳۶
	$R=۰/۵۲۲$ $R^2=۰/۲۸۳$ $R^2_{Adj}=۰/۲۷۶$ $S.E=۱/۱۱۶$ $ANOVA=۴۱/۰۰۲$ $p=۰/۰۰۰$					
تعلق زوجین امروزی فرزند ایدئال تعلق به تعداد	مقدار ثابت	۲/۹۱۹	-	۰/۰۸۷	۳۳/۶۱۶	۰/۰۰۰
	تعداد سال‌های تحصیل	-۰/۰۷۸	-۰/۴۳۴	۰/۰۰۸	-۹/۷۰۷	۰/۰۰۰
	مذهب (شیعه گروه مرجع)	۰/۶۳۸	۰/۱۹۰	۰/۱۵۰	۴/۲۶۲	۰/۰۰۰
		$R=۰/۴۴۱$ $R^2=۰/۱۹۵$ $R^2_{Adj}=۰/۱۹۱$ $S.E=۰/۹۵۹$ $ANOVA=۵۰/۳۷$ $p=۰/۰۰۰$				

نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیره را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که اولاً، مادران و جوانان دارای ویژگی‌های مدرن، یعنی ساکن شهر، شاغل و برخوردار از تحصیلات بالا بیشتر با معیارهای ازدواج و فرزندآوری امروزیین کنار می‌آیند. در واقع، آن‌ها ازدواج در سنین بالاتر را مطلوب دانسته و برای زوجین تعداد فرزند کمتری را مناسب می‌دانند. ثانیاً، جوانان پسر در مقایسه با هم‌تایان دختر معیارهای ازدواج و فرزندآوری سنتی‌تری را بروز داده و در این زمینه تقارن بیشتری با نسل مادران داشته‌اند.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه به مقایسه میان نسلی معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری مادران و فرزندان جوان آن‌ها در نقاط شهری و روستایی سنندج پرداختیم. مطابق با چارچوب نظری مطالعه که تغییرات و همچنین تفاوت یا شباهت در معیارهای مطلوب و نگرش‌های باروری در لایه‌های مختلف جامعه را به تغییرات ساختاری به‌ویژه گسترش مؤلفه‌های نوسازی و تغییرات هنجاری، ایده‌ای و ارزشی، یا تجارب خانوادگی والدینی و تعامل با آن‌ها در فرایند جامعه‌پذیری نسبت می‌دهد، انتظار تئوریک بر این بود که معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری دو نسل اول (مادران) و دوم (فرزندان) به‌ویژه با توجه به تغییرات اجتماعی-اقتصادی سال‌های اخیر، متفاوت از همدیگر باشند. البته، به‌خاطر نفوذ والدینی و تعامل و قرار گرفتن در جایگاه مشترک، وجود تشابه در این معیارهای مطلوب هم دور از انتظار نبوده است. برای مطالعه این موضوع، با استفاده از رویکرد بین نسلی وجود شباهت و یا تفاوت در معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان جوان هرگز ازدواج‌نکرده آنان مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج مطالعه نشان داد که هر دو نسل مادران و فرزندان اعم از پسر و دختر در خصوص شرایط قبل از ورود به ازدواج با همدیگر توافق نظر نسبی دارند. هر سه گروه، شرایط شغلی و اقتصادی مساعد را به‌عنوان پیش‌زمینه ازدواج پسران مهم دانسته و موقعیت مطلوب برای ازدواج دختران را اتمام تحصیلات متوسطه و به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی ذکر کرده بودند. با وجود این، تفاوت‌های بین گروهی مهم و قابل توجهی در این خصوص مشاهده شد و نگرش پاسخگویان دختر در مقایسه با دو گروه دیگر (مادران و هم‌تایان پسر) مدرن‌تر جلوه‌گر نموده است. مالهوترا و همکاران (۱۹۹۲) در سری‌لانکا به یافته‌های مشابهی دست یافتند و آن را به افزایش سطح تحصیلات دختران و قرار گرفتن بیشتر در معرض رسانه نسبت دادند. با چنین یافته‌هایی، همسویی نسبی میان مطالعه حاضر و مطالعات صادقی و همکاران (۱۳۸۶) و عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) نیز دیده می‌شود.

طبق نتایج این مطالعه، دو گروه مادران و فرزندان پسر در خصوص سن ازدواج پسر و دختر توافق نظر داشته‌اند، اما دختران هم برای پسر و هم برای دختر، در مقایسه با دو گروه مذکور

ازدواج در سن بالاتر را مطلوب دانسته‌اند. عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) نیز، در یزد به یافته‌ای بسیار مشابه با این یافته رسیدند. البته با یافته مطالعه زارع و اصل روستا (۱۳۸۹) نیز همسویی نسبی دارد. به هر صورت مطابق با نظر محققان مطالعه اخیر، شاید بتوان اختلاف نظر مادران و پسران با دختران را به بقایای این تفکر سنتی نسبت داد که دو گروه نخست، اولاً ازدواج زودهنگام و ثانیاً سن کمتر دختر از پسر در هنگام ازدواج را مناسب می‌دانند.

در زمینه ایدئال‌ها و ترجیحات انتخاب همسر در درون و یا بیرون از شبکه خویشاوندی، تفاوت‌های بین نسلی و به عبارت بهتر بین گروهی محسوس و معنی‌داری مشاهده شد. در حالی که نتایج مطالعه به‌طور کلی نشان‌دهنده کاهش مطلوبیت ازدواج‌های خویشاوندی در بین نسل جدید می‌باشد، اما بخصوص دختران پاسخگو به مراتب کمتر از مادران و حتی هم‌تایان پسر موافق ازدواج خویشاوندی بوده و در مقابل، نظر مساعدتری نسبت به ازدواج‌های غیر خویشاوندی داشته‌اند. این یافته با نتایج مطالعات نیک‌پرور و همکاران (۱۳۹۰)، زارع و اصل روستا (۱۳۸۹)، عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸)، عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) و عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۸) همسویی دارد. در مطالعات یادشده نیز این نتیجه به دست آمد که مطلوبیت ازدواج خویشاوندی در بین نسل‌های جدید به‌ویژه در میان دختران کاهش یافته است.

علاوه بر موارد فوق، نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در معیارهای مطلوب فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان تفاوت‌های محسوس و معنی‌داری وجود دارد. در حالی که از نظر مادران تعداد فرزند مطلوب چه در هنگام ازدواج و چه در حال حاضر به‌طور متوسط بالاتر از حد جانشینی قرائت می‌شود، اما نسل جوان به‌ویژه دختران از معیارهای مطلوب فرزندآوری به مراتب پایین‌تری برخوردارند و ایدئال فرزند از نظر آنان در حد جانشینی و یا کمتر از آن (میانگین ۲/۱ فرزند) می‌باشد. علاوه بر این، نسل جوان به‌ویژه دختران در مقایسه با مادران تعداد سال‌های بیشتری را برای فاصله‌گذاری در بین فرزندان مناسب دانسته و ارزش کمتری برای فرزند فائند. این یافته هم با بخشی از نتایج مطالعه عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) و رازقی نصرآباد و سرایی (۱۳۹۳) همخوانی دارد. عسکری ندوش و همکاران، در مطالعه خود نشان دادند که نسل جوان (دختران هرگز ازدواج‌نکرده) در مقایسه با مادران خود نگرش‌های جدیدتری به فرزندآوری دارند. رازقی نصرآباد و سرایی نیز به این نتیجه رسیدند که در میان سه گروه هم‌دوره متولد دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ به بعد، کمترین نمره ارزش فرزند متعلق به هم‌دوره تولدی اخیر بوده است. آن‌ها در مطالعه خود اظهار می‌دارند که «اگرچه ملازم با تغییرات اجتماعی، تغییرات محسوسی در زمینه ارزش فرزند در سه نسل پدید آمده است و متولدان هم‌دوره ۱۳۶۰ به بعد، بیش از هر نسل دیگری ارزش‌ها و رفتارهای مدرن فرزندآوری را تولید می‌کنند، با این حال، به کارکرد عاطفی فرزندان اهمیت می‌دهند و فرزندآوری یکی از اهداف و ارزش‌های آن‌هاست». در این مطالعه هم

نشان داده شد که فرزندان در مقایسه با مادران، ارزش کمتری برای فرزند قائلند با وجود این، نمره میانگین نگرش به ارزش فرزند آن‌ها متوسط بوده و حاکی از اهمیت فرزند و فرزندآوری برای آنان است. در مجموع، نتایج این مطالعه مؤید تفاوت‌های میان‌نسلی و حتی در مواردی درون‌نسلی، در نگرش‌ها و معیارهای مطلوب ازدواج و فرزندآوری بوده است. به‌طوری‌که از طرفی، نگرش‌های دو نسل مادران و فرزندان (جوانان) در اغلب موارد متفاوت از هم بوده است. از طرف دیگر، نگرش فرزندان دختر متفاوت‌تر از نگرش مادران و حتی اندکی متفاوت از نگرش هم‌تایان پسر بوده و گویی امروزی‌تر می‌نماید.

در بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تفاوت‌های ایده‌ای مشاهده شده در میان پاسخگویان، تحلیل چندمتغیره داده‌ها نشان داد که عواملی مانند تحصیلات، نسل، محل سکونت و وضعیت اشتغال اثرگذارترند. استنباط ما این است که مادران و جوانان دارای ویژگی‌های مدرن، یعنی ساکن شهر، شاغل و برخوردار از تحصیلات بالا بیشتر با معیارهای ازدواج و فرزندآوری امروزیین کنار می‌آیند. در واقع، آن‌ها ازدواج در سنین بالاتر را مطلوب دانسته و برای زوجین تعداد فرزند کمتری را مناسب می‌دانند. همچنین، جوانان پسر در مقایسه با هم‌تایان دختر معیارهای ازدواج و فرزندآوری سنتی‌تری را بروز داده و در این زمینه تقارن بیشتری با نسل مادران دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد افتراق پاسخگویان در ویژگی‌های یادشده عامل مهمی در معیارهای متفاوت ازدواج و فرزندآوری آنان باشد. این نتایج، اگرچه تغییرات ایده‌ای و پذیرش سریع‌تر و گسترده‌تر آن توسط نسل جدید را دور از ذهن نمی‌سازند، اما تا حدود زیادی مؤید عاملیت تغییرات ساختاری به‌ویژه تحصیلات در بین دو نسل مخصوصاً در میان دختران می‌باشد. از سوی دیگر، مطابق با چارچوب نظری، شباهت‌های نگرشی مادران و فرزندان جوان آن‌ها در برخی از ابعاد نگرشی مرتبط با ازدواج، می‌تواند ناشی از موقعیت اجتماعی یکسان آن‌ها، یا حاصل مشاهده رفتار و نگرش‌های والدین از سوی فرزندان و تأثیرپذیری آن‌ها از این جریان‌ها، یا ناشی از فنون اجتماعی کردن فعال از سوی والدین نظیر حمایت و کنترل بوده باشد.

در پایان، نگارندگان متذکر این نکته مهم می‌شوند که با توجه به اینکه درک تفاوت‌های نسلی می‌تواند به شناخت تغییرات رخ داده در نهاد خانواده و همچنین پیش‌بینی مسیر تغییرات آن در آینده کمک کند، لازم است علاوه بر تکرار چنین مطالعاتی در مناطق دیگر، بر روی سایر عوامل مؤثر بر ایجاد تفاوت‌های میان‌نسلی و حتی درون‌نسلی تمرکز بیشتری گذاشته شود. البته انجام این‌دست مطالعات، نیازمند داده‌های نسلی و داده‌هایی است که علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، سایر متغیرهای ساختاری و همچنین، هنجاری و ارزشی را دربرگیرد. مطالعه حاضر، ضمن تلاش در جهت شناخت معیارهای مطلوب، نگرش‌ها و ارزش‌های باروری و درک تفاوت‌های نسلی، با محدودیت‌های داده‌ای مذکور مواجه بوده است.



## منابع

- آزاد ارمکی، تقی، زند، مهناز و طاهره خزایی (۱۳۸۱) «تأثیر تحولات جمعیتی و اجتماعی در امر همسرگزینی طی سه نسل در خانواده ایرانی»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران: تحولات اخیر و آینده جمعیت ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۲۹ و ۳۰ بهمن ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۶۸.
- احمدی، سید فتح‌الله (۱۳۹۱) «نگاهی به وضعیت طلاق در سه استان کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی»، در سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس: <http://www.islahweb.org/content/2012/4/5435>
- رازقی نصر آباد، حجه بی‌بی و حسن سرایی (۱۳۹۳) «تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۲۲۹-۲۵۰.
- زارع، بیژن و ابوالفضل اصل روستا (۱۳۸۹) «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد»، دو فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره یکم، شماره ۷: ۶۷-۱۰۱.
- سرایی، حسن (۱۳۸۷) «گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران»، دو فصلنامه نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره سوم، شماره ۶: ۱۱۸-۱۴۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵) «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، دو فصلنامه نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره یکم، شماره ۲: ۳۷-۶۰.
- صادقی، رسول، قدسی، علی‌محمد و جواد افشارکهن (۱۳۸۶) «واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۱: ۸۳-۱۰۸.
- عباسی شوازی، محمد جلال (۱۳۸۰) «همگرایی رفتارهای باروری در ایران؛ میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور و در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵»، دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، دوره نهم، شماره ۱۸: ۲۰۱-۲۳۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی‌چاووشی (۱۳۹۲) «روند و سطح باروری طی چهار دهه اخیر در ایران: کاربرد روش فرزندان خود در برآورد باروری در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰»، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار، گزارش تحقیقاتی.
- عباسی شوازی، محمد جلال و سعید خانی (۱۳۸۸) «الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده شهرستان قروه»، دو فصلنامه نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۷: ۳۵-۶۶.

- عباسی شوازی، محمدجلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵) «تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴: ۱۱۹-۱۴۶.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴) «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره سوم، شماره ۱: ۲۵-۴۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴) «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، *دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی*، دوره یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۲۵): ۲۵-۷۶.
- عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۸) «مادران، دختران و ازدواج؛ تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره یازدهم، شماره ۴۴: ۷-۳۳.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) *کاربرد آمار و نرم‌افزار SPSS در تحلیل داده‌ها؛ آموزش جامع نرم‌افزار SPSS*، چاپ دوم، تهران: لویه.
- کرلینجر، پدهازر (۱۳۸۴) *رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری*، ترجمه حسن سرایی، تهران: سمت.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۹) *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: ارسباران.
- لاور، رابرت اچ (۱۳۷۳) *دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمدپور، احمد، رسول صادقی، مهدی رضایی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸) «سنت، نوسازی و خانواده، مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۷، شماره ۴: ۷۱-۹۳.
- محمودیان، حسین و مهدی رضایی (۱۳۹۱) «زنان و کنش کم‌فرزندآوری: مطالعه موردی زنان گُرد»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره چهاردهم، شماره ۵۵: ۱۷۳-۲۲۵.
- محمودیان، حسین، سراج‌الدین محمودیان و سهیلا شهریار (۱۳۹۴) «ازدواج خویشاوندی، تفاوت‌های بین نسلی و عوامل پشتیبان آن در کرمانشاه»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره چهارم، شماره ۱: ۱۴۵-۱۶۶.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) «نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ استان کردستان»، تهران: دفتر ریاست، امور بین‌الملل و روابط عمومی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) «سالنامه آماری استان کردستان سال ۱۳۹۰، استانداری کردستان، دفتر آمار و اطلاعات»، در <http://ostan-kd.ir/Files/1/92/Salname-Amari-90/index.html>

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷) «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ استان کردستان»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷) «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ شهرستان سنندج»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) «میزان باروری کل ایران بر پایه نتایج سرشماری ۱۳۹۵ در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۵» در

[https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1396/1\\_barvari.pdf](https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1396/1_barvari.pdf)

- نیک‌پرور، فاطمه، پناغی، لیلی و علی مظاهری (۱۳۹۰) «تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره هفتم، شماره ۲۶: ۲۰۵-۱۸۷.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & P. McDonald (2007) 'Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State', in: Jayakody R, Thornton A, Axinn W (Eds), *International Family Change: Ideational Perspectives*. Taylor and Francis Group, LLC, Boca Raton, FL, 177-198.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & P. McDonald (2005) 'National and Provincial Level Fertility Trends in Iran, 1972-2000', *Working Paper in Demography*, No. 94, the Australian National University, Canberra.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & M. Hosseini-Chavoshi (2009a) *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, New York: Springer.
- Abbasi-Shavazi M. J., Morgan, P., McDonald, P., & M. Hosseini-Chavoshi (2009b) 'Family Change and Continuity in Iran: Contraceptive Use before First Pregnancy', *Journal of Marriage and Family*, 71(5): 1309-1324.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & M. Hosseini-Chavoshi (2008) 'Modernization and the Cultural Practice of Consanguineous Marriage: Case Study in Four Province of Iran', *Journal of Biosocial Science*, 40(6): 911-933.
- Axinn, W. G., & A. Thornton (1993) 'Mothers, Children, and Cohabitation: The Intergenerational Effects of Attitudes and Behavior', *American Sociological Review*, 58(2): 233-246.
- Bengtson, V. L. (1975) 'Generation and Family Effects in Value Socialization', *American Sociological Review*, 40(3): 358-371.
- Campbell, E. Q. (1969) 'Adolescent Socialization', in: *Handbook of Socialization Theory and Research*, edited by D. A. Gosling. Chicago, IL: Rand McNally. 821-59
- Chodorow, N. (1978) *the Reproduction of Mothering*, Berkeley, CA: University of California Press.

- Gecas, V., & M. A. Seff (1990) 'Families and Adolescents: A Review of the 1980s', *Journal of Marriage and the Family*, 52(4): 941-958.
- Goldstein, J., Lutz, W., & M. R. Testa (2003) 'The Emergence of Sub Replacement Family Size Ideals in Europe', *Population Research Policy Review*, 22(5-6): 479-496
- Hin, S., Gauthier, A., Goldstein, J., & C. Buhler (2011) 'Fertility Preferences: what Measuring Second Choices Teaches Us', *Vienna Yearbook of Population Research*, 9(1): 131-156.
- Malhotra A., Tsui, A., & V. de Silva (1992) 'Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka', Unpublished Report. In: [www.popline.org](http://www.popline.org)
- Perez-Amador, J. (2012) 'Intergenerational Similarities in the Transition to Marriage in Mexico', *Revista Latinoamericana de Población*, 6(11): 109-133
- Smith, T. E. (1988) 'Parental Control Techniques: Relative Frequencies and Relationships with Situational Factors', *Journal of Family Issues*, 9(2): 155-176.
- Thornton, A. (1991) 'Influence of the Marital History of Parents on the Marital and Cohabitational Experiences of Children', *the American Journal of Sociology*, 96(4): 868-894.